

## Unit 9 book 3

### آزردن

آزردن یک فرد یا گروه به معنای ایجاد مشکل یا درد است.  
برادرم به دکتر مراجعه کرد تا ببیند چه چیزی او را رنج می دهد.

### متحد

متحد شخصی است که موافقت می کند به شما کمک کند یا از شما حمایت کند.  
خوشحال شدم که متحدان زیادی را پیدا کردم که عقیده مشابه من را داشتند.

### به رخ کشیدن

لاف زدن این است که در مورد چگونگی خوب بودن صحبت کنید.  
همه ما از شنیدن حرفهای او که تمام روز به خودش می بالد خسته شدیم.

### ضربه زدن

ضربه زدن یعنی حرکت دادن چیزی به بالا و دور از سطح پس از برخورد به آن.  
اوون توپ را روی زمین زد.

### گردن کلفت

قلدر فردی است که نسبت به دیگران بدجنس است.  
دو قلدر همیشه بچه های کوچکتر و ضعیف تر را انتخاب می کردند.

### کربوهیدرات

کربوهیدرات ها موادی در غذاهایی مانند نان هستند که به شما انرژی می دهند.  
کربوهیدراتها مانند برنج منبع خوبی از انرژی برای افراد فعال هستند.

### خزیدن

خزیدن یعنی حرکت آرام روی دستها و زانوها.  
کودک از روی زمین خزید.

### شکست دادن

شکست دادن کسی یعنی غلبه کردن بر او در یک بازی یا نبرد.  
قهرمان در مسابقه بوکس رقیب را شکست داد.

### صفحه مدرج

صفحه مدرج جلو ساعت است.  
به صفحه ی مدرج ساعت نگاه کردم تا ببینم ساعت چند است.

### غالب

وقتی کسی یا چیزی مسلط باشد ، از دیگران قوی تر است.  
گوریل یکی از حیوانات غالب جنگل است.

### رحمت

اگر رحمت کنید ، ترجیح می دهید کسی را مجازات نکنید و به او آسیب نرسانید.  
او از رئیس خود درخواست رحمت کرد و او را اخراج نکرد.

سر تکان دادن

سر تکان دادن این است که سر خود را بالا و پایین ببرید.  
با گوش دادن به آهنگ سرم را تکون دادم.

حریف

حریف کسی است که علیه شما می جنگد.  
در زمین ، حریفان ما خیلی خوب بودند.

نزاع

مشاجره بحث و جدال است.  
بیلی در مورد خرید خانه ای جدید با همسرش اختلاف داشت.

رقیب

رقیب کسی است که سعی دارد شما را از رسیدن به خواسته خود باز دارد.  
سه رقیب همه برای یک شغل با هم رقابت می کردند.

دردناک

وقتی قسمتی از بدن شما دردناک است ، صدمه می کند.  
پس از بلند کردن جعبه سنگین ، پشت مونا دردناک بود.

نیش

نیش زدن به معنای ایجاد درد با فشار دادن قسمت تیز به داخل پوست است.  
سوزن بازوی من را زد و من را وادار کرد که بگویم ، "اوه!"

فشار آوردن

فشار آوردن یعنی خیلی سخت تلاش کردن.  
کیسی برای بلند کردن جعبه سنگین فشار آورد.

شکجه

شکجه چیزی است که باعث درد جسمی یا روحی شما می شود.  
گرگ فکر کرد که نوشتن مقاله شکجه است.

کشتی گرفتن

کشتی یعنی بازی کردن در جایی که بخواهید شخصی را به زمین بزنید.  
پدرم وقتی دبیرستان بود عاشق کشتی بود.

دالتون در مقابل قلدر

دالتون پسر خوبی بود ، اما گاهی اوقات پسران دیگر او را به دلیل قد بلند و لاغر مسخره می کردند. بزرگترین مشکل دالتون میچ بود. او یک قلدر بود که به قدرت خود می بالید. با پسران دیگر نزاع کرد. گاهی اوقات ، اگر پسران پول ناهار خود را به میچ می دادند ، او لطف می کرد و آنها را تنها می گذاشت.

یک روز ، پسران در مورد یک بازی ویژه المپیک دوره راهنمایی مطلع شدند. کلاس بدنسازی آنها قرار بود در آن باشد. بسیاری از بچه ها هیجان زده بودند. اما دالتون فکر می کرد این صدا مانند شکجه است.

آن روز صبح ، دالتون مقدار زیادی کربوهیدرات برای صبحانه خورد. وارد سالن ورزشی شد و به صفحه ساعت نگاه کرد. وقت شروع بود. استاد پرسید که آیا آنها آماده هستند؟ همه سر تکان دادند ، به جز دالتون.

"من توسط یک زنبور نیش خوردم. من باید پرستار را ببینم. " گفت دالتون. او بهانه تراشی کرد تا مجبور نباشد بازی کند.

"من شما را باور نمی کنم. آماده بازی شوید. "

ابتدا کشتی گرفتند. سپس آنها پریدند ، خزیدند و بازی های دیگری انجام دادند. اما میچ در هر رویدادی مسلط بود.

آنها تمام صبح فشار آوردند تا او را شکست دهند. تا ناهار ، همه جای آنها دردمیکرد. تمام بدن آنها آنها را رنج می داد. آنها در مورد چگونگی پیروزی فکر کردند. آنها می دانستند آخرین بازی ، آن روز والیبال بود. بچه هایی که قبلاً رقبای دالتون بودند ، متحدان او شدند. آنها می خواستند که او به آنها کمک کند تا میچ را بزنند. دالتون قرار بود حریف میچ شود.

بازی شروع شد هر بار که میچ می خواست توپ را از روی دروازه بکشد ، دالتون آن را متوقف می کرد. سرانجام ، میچ از تمام قدرت خود استفاده کرد. اما توپ از دست دالتون برگشت و به صورت میچ خورد! سرانجام میچ شکست خورد.